

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

همان طور که عرض کردم بحث خود حج را از میقات انشاءالله شروع می‌کنیم. بنده با این ترتیبی که در کتب فقها و همین طور در مجامع روایی ما هست خیلی موافق نیستم که اول آمده‌اند حج را به واجب و مستحب و نذری و و قضا و ... و بعد وارد خود اصل حج و اجزاء حج شدند، به نظر من بسیاری از این مطالبی که در همین مباحث مطرح است در خود حج خواهد آمد؛ یعنی وقتی که انسان نسبت به خود حج و اجزاء و خصوصیات آن وارد بحث می‌شود طبعاً بسیاری از این مسائل در ضمن ادله و روایات و احادیث می‌آید دیگر اول مطرح کردن و بعد دوباره به آنها رسیدن خیال می‌کنم یک مقداری لقمه را دور سر چرخاندن است.

من به نظرم رسید که ابتدائاً خود حج فی حد نفسه و اقسام آن حالا حج قران و افراد یا تمتع و عمره مفرده و عمره تمتع و اجزاء آن و خصوصیات آن مطرح بشود وقتی که از این قضیه فارغ شدیم و تمام شد حالا آن موقع صحبت می‌شود که حج نیایی چیست؟ یا حج میقاتی به چه می‌گویند؟ یا فرض کنید که حج مندوب چیست؟ حج قضا چیست؟ یا فرض کنید که اگر شخصی بر ذمه او حج داشته باشد یا نداشته باشد بخواهد نیابت کند این چه شرایطی دارد؟ حالا کسی که بر ذمه او حج است می‌تواند نیابتاً انجام بدهد یا نه؟ اینها مباحثی است که بعد از خود اصل حج و خصوصیات آن برای انسان حاصل می‌شود مثل این که قبل از این خود اصل نماز را ما بیاییم تعریف کنیم حالا بیاییم بگوییم که نماز قضا فرض کنید که چیست آیا نماز قضا را مقدم بر ادا می‌شود کرد یا نه خود اصل نماز را طرف نمی‌داند چیست حالا یک دفعه از قبلش بیاید اول خود نماز باید تعریف شود اجزای آن تعریف شود ارکان و واجبات و مستحبات آن وقتی که متوجه شدیم آن وقت می‌گوییم این نماز یا قصر است در سفر یا اتمام است در حضر، این صلاة در وقت باشد می‌شود ادا در خارج وقت باشد می‌شود قضا در قضا آیا مقدم بر ادا هست یا متأخر از ادا هست؟ و همین طور نسبت به همان روز باشد یا در غیر از آن روز قضا باشد آیا در سفر باید مانند حضر قضا کرد یا این که در سفر قضا هم قصر می‌شود و اقص مافات و امثال ذلک اینها همه متأخر بر اصل نماز است وقتی که شما نمی‌دانید نماز چیست اوله التکبیر و آخره التسلیم دیگر بحث کردن راجع به اینها خیال می‌کنم قدری معجل باشد.

بنابراین ما برنامه و طریق بحثی را غیر از طریق متداول در موسوعه‌های حج، مثل تقریرات یا مجامع احادیث قرار دادیم، اینها ابتداءً آمده‌اند راجع به خصوصیات و موارد مختلفی صحبت کرده‌اند که خارج از مباحث حج است و بعد در اصل بحث وارد شده‌اند، ما ابتدا وارد خود حج و خود اجزای حج می‌شویم که ابتدای آن میقات است و بعد هم سایر موارد، وقتی که از همه این مباحث فارغ شدیم آن موقع دیگر به موارد

جزیی می‌پردازیم.

میقات عبارت است از آن محلی که رسول خدا برای انعقاد احرام و اهلال تعیین کردند که خب برای اهل عراق میقات ایشان میقات وادی عقیق است و برای شام میقات قرن المنازل است و برای اهالی یمن یلملم است و برای اهل مدینه مسجد شجره و ذوالحلیفه است و میقات اهل غرب و شمال غربی هم که جحفه است، این مواعیتی است که رسول خدا اینها را تعیین کردند و نسبت آنها به جده مختلف هست، و دارای به اصطلاح طول و عرض مساوی نیستند هر کدام نسبت به اهالی و لذا در این زمینه روایاتی داریم و روایات همه تقریبا به یک قسم مسائل را بیان کردند و مطالب را می‌فرمایند منتهی خود بنده روایات را تقسیم کردم به دو یا سه دسته و آن چه که فعلا در میقات برای ما مهم است آن مسئله - می‌خواهم این حشو و زوائد و اینها را حذف کنم آن چیزی که بیشتر لازم است آن را بیشتر روی آن مانور بدهیم نه این که مثلا فرض کنید که حالا میقات دو متر جلوتر و عقب تر کهن که لازم نیست - آن عبارت است از احرام از محاذات، این بحث خیلی مهمی است همان طوری که قبلا خدمت رفقا عرض کردیم این مسئله خیلی مهمی است و خیلی مبتلا به است و باید ببینیم که آیا روایات ما وافی به این مسئله هست یا این که غیر وافی است؟ بنابراین بهتر است که ما روایاتی که در این زمینه است مروری کنیم تا این که یک مفادی از این مسئله به دست بیاید.

علتی که ما اول سراغ روایات می‌رویم طبق همان برنامه قبلی و جری بحث خودمان و سراغ مطالب و تقریرات فقها نمی‌رویم این است که در وهله اول بدانیم که از مصادر وحی چه به دست ما می‌رسد و چه ذهنیتی برای ما نسبت به این قضیه حاصل می‌شود، بعد وقتی که این ذهنیت در ما شکل گرفت آن وقت ما به این تقریرات و بیانات سایر فقها هم نظر می‌اندازیم و کیفیت ورود و خروج مطالب را از دیدگاه آنان مورد تأمل قرار می‌دهیم. پس در وهله اول باید ببینیم که نظر معصوم نسبت به این مسئله به این مهمی چیست؟ روایاتی که هست مختلف است که البته من حالا امروز یک مقداری به طور سریع این روایات را مرور می‌کنیم تا این که البته حالا برسیم یا نرسیم ولی خب فردا می‌آییم شروع می‌کنیم دسته‌بندی کردن و کیفیت مقام تخاطب و آن بیان و مراد امام علیه السلام را از اینها بیان می‌کنیم فعلا روایاتی که مربوط به اصل میقات است یکی است ابی ایوب خزاز است قال قلت لأبی عبدالله علیه السلام حدثنی عن العقیق أوقت و قته رسول الله او شیء صنعہ الناس خود مردم میقات را در آوردند یا واقعا پیغمبر میقات را اینطور فرموده است؟ شما ببینید مسئله خیلی عجیب است الان این شخصی که دارد این را نقل می‌کند در زمان امام صادق است، در زمان امام صادق هنوز نمی‌داند میقات کجاست؟! پس این مسئله، مسئله مهمی است و ما نباید با توجه به این قضیه فکر کنیم که حالا مردم این طوری هستند و بنابراین با یک استصحاب قهقرا... در زمان امام صادق این حرفها را سوال می‌کردند و این مسائل را سوال می‌کردند پس این زمان صد و پنجاه سال بین رسول خدا و زمان امام

صادق این مردم چکار می کردند؟ یعنی مطلب روشن نبوده است، در زمان صادقین این قضایا و این مطالب آمده و برای افراد روشن شده است، اینها نکات اجتهادی است یعنی دقت در این نکات است که خیلی انسان را به مطالب می رساند که متوجه شویم که آن زمان در چه حال و هوایی بودند؟ در چه حال و احوالی بودند؟ افراد و اصحاب نسبت به این موضوعات شرعی به چه قسمی نگاه می کردند فقال: **إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَقَّتْ لَاهِلَ الْمَدِينَةِ ذَا الْحَلِيفَةِ وَ وَقَّتْ لَاهِلَ الْمَغْرِبِ الْجَحْفَةَ وَ هِيَ عِنْدَنَا مَكْتُوبَةٌ مَهِيئَةٌ وَ وَقَّتْ لَاهِلَ الْيَمَنِ يَلْمَلَمُ وَ وَقَّتْ لَاهِلَ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَ وَقَّتْ لَاهِلَ نَجْدِ الْعَقِيقِ**^۱ و با این روایت فعلا شش مورد شد.

روایت دیگر روایت علی بن ابراهیم از معاویه عمار عن ابی عبداللّٰه علیه السلام قال من تمام الحج و العمره ان تحرم من المواقیت التي وقتها رسول اللّٰه لاتجاوزها الا و انت محرم فانه وقت لاهل العراق چرا عین همین را حضرت می آیند می فرمایند بعد این را می فرماید این به اصطلاح اضافه که در این جا هست و وقت لاهل المدینه ذَا الْحَلِيفَةِ و من كان منزله خلف هذه المواقیت مما یلی مکه فوخته منزله^۲؛ اگر کسی منزل او جلوتر باشد یعنی فرض کنید که در طریق مسجد شجره به سمت مکه این جلوتر است مثل ربه، ربه فرض کنید که در طریق مکه است با یک اختلاف یا مثل فرض کنید که سر یا که قریه ای است که مدینه است و محل خوش آب و هوایی بوده و خود ائمه هم در آن جا زراعت و اینها داشتند و در آن جا حتی بعضی از اینها آن طور که در ذهنم است به دنیا آمدند از اولاد ائمه که قطعا می دانم آن جا به دنیا آمدند خب لازم نیست از آن جا برگردد مسجد شجره از همان منزل خودش از همان جا احرام می بندد یعنی کسی که منزلش نه این که کسی که خارج است، خارج من البلد نه، از مدینه، یا از اهل خود مدینه نه، آنها وقتی که می خواهند خارج شوند حرام است که خارج شوند بدون احرام قصد مکه را دارند خارج شوند باید از خود مسجد شجره باشد ولی برای کسانی که خود منزلشان آنجا است یا این که مهمان است فرض کنید که شخصی آمده در سر یا مهمان است این دیگر لازم نیست دوباره برگردد مسجد شجره از همان به اصطلاح سر یا یا از همان در طریق که در طریق مکه است می تواند از همان جا محرم شود روایت این طور می فرماید.

روایت دیگر روایت حلبی است قال ابی عبداللّٰه علیه السلام الاحرام من مواقیت خمسہ و وقتها رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه وآله لاینبغی لحاج ولا معتمر این لاینبغی را به آن توجه کنید ان یحرم قبلها و لا بعدها نه قبلش می تواند و نه بعدش می تواند وقتی کسی که می آید باید به آن جا که می رسد باید احرام ببندد و وقت لاهل المدینه فلان حضرت می فرماید تا آخر بل و لاینبغی دوباره فرمودند لاحد عن یرغب عن مواقیت رسول

۱- کتاب الحج، ابواب المواقیت باب ۱ حدیث ۱

۲- کتاب الحج، ابواب المواقیت باب ۱ حدیث ۲

اللَّهِ؛ این که خودش برود و یک میقات تعیین کند و بگوید که من دلم می‌خواهد فرض کنید که از فلان جا محرم شوم از خانه دلم می‌خواهد محرم شوم البته بعد می‌آیم می‌گوییم در صورت نذر مسئله فرق می‌کند بگوید من دلم می‌خواهد بیشتر محرم باشم از خود منزلم می‌خواهم محرم شوم نه این جا دلخواهی نیست باید از همان میقاتی که خود رسول خدا تعیین کرده است باید از آن جا این مسئله شکل بگیرد.

روایت دیگر روایت صدوق است از عبیدالله علی حلبی الی انه قال و هو مسجد الشجره ذوالحلیفه را حضرت هم مسجد شجره فرمودند ذوالحلیفه کان یصلی فیه و یفرض الحج حضرت در این جا نماز می‌خواندند و حج را از آن جا شروع می‌کردند فاذا خرج این شخص من المسجد پس وقتی که از مسجد خارج این کان یصلی فیه و یفرض فیه در پرانتز است فاذا خرج من المسجد اگر شخص از مسجد خارج شد و سار و استوت به البیداء حین یجازی المیل الاول احرم^۲ این جا در این روایت ببینید اینها که بنده می‌گویم باید دسته بندی کرد این است در این روایت نمی‌گوید حضرت از مسجد شجره محرم شوید از مسجد شجره لباس را بپوشید حرکت کنید بیابید وقتی که به بیداء رسیدید آن جا صدا را به احرام تلبیه بلند کنید پس بنابراین پوشیدن لباس احرام از مسجد شجره است چون در کنار درختی بوده و آن موقع مسجد نبوده و بعد مسجد درست کردند درختی بوده آنجا را می‌گویند تحت الشجره بعد تحت الشجره تبدیل به مسجد شجره شده است در آن جا رسول خدا لباسها را عوض می‌کردند لباس و ثیاب خود را درمی‌آوردند و از آن جا لباس احرام می‌پوشیدند ولی محرم نمی‌شدند می‌آمدند جلوتر و آن جا احرام می‌بستند این حکایت از این می‌کند که در مسجد شجره بخصوص احرام در آن جا الزام نیست البته در بعضی از روایات دیگر داریم که حالا عرض کردم در دسته بندی اینها را می‌آیم عرض می‌کنم که این مورد خلاف و تضاد و تناقض بیاید برداشته شود فعلا این روایت می‌فرماید که این احرام از مسجد شجره نیست یک مقداری که خارج شود آن موقع احرام بسته می‌شود حالا توجیه این مسئله بماند انشاءالله برای بعد.

روایت دیگر روایت علی بن جعفر است نه این علی بن جعفری که این جا در قم ایشان مدفون است غیر از ایشان آن علی بن جعفر که برادر موسی بن جعفری ایشان در سریا مدفون هستند در هشت فرسخی مدینه و خیلی جلیل القدر بوده است و روایات زیادی را از موسی بن جعفر ایشان نقل می‌کنند قال سنلته عن احرام اهل الکوفه و اهل خراسان و ما یلیهم و اهل الشام و مصر من این هو؟ فقال: اما اهل کوفه بعد حضرت

۱- وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب المواقی، باب ۱ حدیث ۳

۲- وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب المواقی، باب ۱ حدیث ۴

همین را دوباره بیان می‌فرمایند تا می‌رسند به این جا و اهل السند من البصره^۱ اهالی سند همان اهالی که به اصطلاح افرادی که از طرف هند می‌آیند که سند هم می‌گفتند آنها از بصره هستند نه از خود بصره میقات اهل بصره این جا ایشان توضیح دادند ظاهراً هم همین است دوباره روایت دیگر باز روایت صدوق نقل می‌کند روایت صدوق است عن ابی عبداللّه علیه السلام قال وقت رسول اللّه فلان و تا آخر روایت همه یکی است دیگری دوباره روایت مثل همان است روایتی است تهذیب و قرب الاسناد است آن هم همین روایت است معلوم می‌شود روایت بصره را فقط علی بن جعفر نقل کرده است چون به دو سند مختلف ولی هر دو به علی بن جعفر می‌رسد یعنی یک روایت در اینجا بیشتر نیست که آن چه را که من دیدم تا آن جایی که من به اصطلاح نگاه کردم این بوده است که بصره در آن جا هست که بعضی در این مسئله اشتباه کردند بله دیگر فرصتی نیست.

اللّهم صل علی محمد و آل محمد

^۱ ۱- وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب المواقیت باب ۱ حدیث ۵